



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرایی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده: واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دایمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم: محمد قاضی

1363

گردآورنده

سرهنک چیا

فصل دوازدهم

زندگی معنوی کردان (دنباله)، ادبیات

(ز) کنگره 1934 در ایروان.

دیگر روشن است که از آن هنگام ببعد مسئله ایجاد ادبیات مدون و زبان ادبی کردی و تامین روابط آنها با ادبیات و زبان کردهای آن سوی مرزها هدف اصلی و اساسی کارهای کنگره منعقد در تابستان 1934 در ایروان بوده است، در واقع تمام کسانی

که در آن کنگره شرکت داشتند به حل این مسئله همچون نوعی آزمون مشکل و هم - چون آزمایشی از درجهء تحول سیاسی و فرهنگی کردهای شوروی می نگریستند، به طوری که هر مسئلهء دیگری در جریان کنگره پیش می آمد بجز در رابطه با حل این مسئلهء اصلی فرهنگ کرد شوروی حل نمی شد.

باری، مشکلات اسلوبی یا عملی که گنگره در مسیر کار خود با آنها روبرو شده است هر چه بوده باشد درمجموع نشان داد که به کار خود با منتهای شوق و علاقه ادامه و مسائل مطرح شده را با کامیابی حل کرده است. توفیق گنگره بعقیدهء **ویکچفسکی** ناشی از این است که گنگرهء مورد بحث بجای اینکه مسئله ای صرفاً مربوط به زبان شناسی را مطرح کند و موضوع انتخاب فلان لهجه را به عنوان اینکه "سر دستهء" لهجه ها است یا "بہتر حفظ شده" است یا "خالصتر" است و غیره پیش بکشد و بگوید که آن لهجه باید مبنای زبان ادبی قرار گیرد و یا برای معیارها و اصطلاحهای زبانی ربحان قابل شود که در آثار ادبی موجود بکار رفته است، برعکس، با همهء این مسائل فرعی با روحیهء بسیار واقع گرایانه مواجه شدو مسئلهء زبان ادبی کردهای شوروی را همچون یک اصل مسلم سیاسی به منظور ایجاد زبانی قابل دست رسی برای ی توده های وسیع کارگران کرد و قابل فهم برای ایشان مطرح کرد.

به همین جهت بود که وقتی گنگره به انتخاب زبان کردی کردهای ارمنستان بعنوان نقطهء مبداء ایجاد یک زبان ادبی مورد نظر رای داد در عین حال به نکات زیر نیز توجه کافی داشت:

1 . اهمیت این زبان به عنوان زبا پرولتاریای کرد ((همان گونه که یکی از ناظران اتحاد جماهیر شوروی به حق خاطر نشان می سازد(لیتل پیچ، در جستجوی معادن طلای سیبری صفحهء 232): " آنان (شورویها) تفلیس و لنیاکان Leninakan نام جدید شهر الکساندروپل از شهرهای ارمنستان)) **مترجم** و در معادن مس الله وردی در حال بوجود آمدن بود .

2 . وجود گروه قابل ملاحظه ای از روشنفکران کرد شوروی که در تکوین و تدوین این زبان شرکت کرده اند و باز خواهند کرد .

3 . امکان استفاده از بهترین نمونه های ادبیات کلاسیک کرد (**احمد خانی و مکتب**

او) به عنوان ماترک ادبی و زبانی، با توجه به روابط نزدیکی که زبان کردهای ارمنستان را به این آثار پیوند می دهد .

4. وجود یک فولکلور بسیار غنی در زبان کردی ارمنستان.

5. وجود ادبیاتی قابل توجه در این زبان (چند صد کتاب و روزنامه ای که مرتباً منتشر می شود) که در خلال آنها سنتهای مربوط به زبان شناسی و ادبی کردهای شوروی مشاهده می شود.

درعین حال، بدیهی است که مسئلهء رابطهء زبان ادبی کردهای شوروی بازبان کردی های نقاط دیگر پیش می آید. همین گروه کردهای شوروی که تا دیروز هنوز عقب مانده ترین دسته در نهضت فرهنگی شوروی بودند نظر به سیاست ملی کاملاً درست لنینی و به پاس شرکت فعال خودشان در ساختمان فرهنگ جدیدی به نام فرهنگ جامعهء سوسیالیستی که تا به حال ناشناخته بوده است، آری، همین کردها تبدیل به پیشآهنگ فرهنگ کرد شدند، از جمله تشکیل خود گنجرهء ایروان یکی از درخشان ترین نشانه های آنست، زیرا چوپانان و دهقانان کرد که تا دیروز هنوز بیسواد بودند در آن گنجره راجع به آیندهء زبان و فرهنگ خود به بحث پرداختند، و یکی از کارگران قدیم کشاورزی که امروز **آگره ژه** و استاد دانشگاه است در آنجا به عنوان سخنران گنجره رشتهء سخن را به دست گرفت.

از طرفی، ویلچفسکی خاطر نشان می سازد (در این مورد و در چند مورد دیگر ما کاملاً با او موافق نیستیم:)) به نظر ما این عقیده کاملاً خودسرانه است که بگوییم تحول ملی یک ملت تنها پرولتاریا است که باید نقش برتر داشته باشد، به ویژه وقتی صحبت از تحول جامعه ای چون کردان مطرح باشد که از نظر اقتصادی بسیار کم تحول یافته محسوب میشوند. البته به طوری که خود خواننده نیاز حتماً دستگیر شده است منظور ما در اینجا این نیست که جنبهء اجتماعی مسئلهء کرد را نادیده بگیریم. ما معتقد نیستیم که کردهای شوروی می توانند و باید نمونه و سرمشق گروههای دیگر این ملت باشند)) (مؤلف).... که در جایی که "عمال امپریالیزم بین المللی" کردهای بیرون از مرزهای ما را به توطئهء چینی به صورت فعالیت ادبی واداشته اند ادبیات خارج چه ارزش فرهنگی ممکن است برای خودشان و برای ادبیات کردهای شوروی داشته باشند. (بنا بر آنچه **روندو** در بارهء کردهای سوریه به ما می گوید این مسئله در بارهء ایشان صدق نمی کند). (مؤلف).

ویلچفسکی می گوید: بنابراین زبان ادبی کردهای شوروی ضمن اینکه باید از پیشرفتهای بی چون و چرای ادبیات کردهای خارج در زمینهء فنی و غنای واژه و سبک استفاده کند نباید از زبان و ادبیات کردهای خارج از شوروی که در سیر تحول خود دچار وقفه شده و رو به انحطاط میروند کورکورانه تقلید کند، بلکه باید نمونه های ادبی کلاسیک کردی بازماند از دوران ملوک الطوائفی (فئودالیته) و همچنین آثار

فولکلور را سرمشق خود قرار دهد.

برعکس، آن گونه که گنگره در مورد زبان کردی اظهار نظر کرد، مطلب این است که زبان ادبی کردهای شوروی را تبدیل به زبان ادبی گارگران تمامی کردستان بکند.

با این وصف. هر چند کنگره اظهار نظر کرده باشد که زبان کردهای ارمنستان مبنای ایجاد یک زبان ادبی برای کردهای شوروی قرار بگیرد بلافاصله هم کلیهء دلایلی که تا به حال مانع شده اند از اینکه ان زبان نقش اول در ساختار ادبیات کردهای شوروی بازی کند برمی شمارد: ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

2010-12-08

Malmö Sweden